رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۸، شماره پیاپی ۷۷، آبان ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(8), 2022

پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران

Predicting separation anxiety in primary school children based on mothers' personality structure and thematic relationships

ملینا صادقی
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشکده پزشکی، علوم پزشکی قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
نادر منیرپور(نویسنده مسئول)
دانشیار روانشناسی سلامت گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم. ایران.

Melina Sadeghi
Master of Clinical Psychology, Faculty of Medicine, Qom Medical Sciences, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Nader Monirpour*
Associate Professor of Health Psychology Department of Psychology, Qom Branch,Islamic Azad University, Qom. Iran. *Monirpoor1357@gmail.com*

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه‌ی کودکان دبستانی مدارس منطقه ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود که از بین آنها ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای به کار گرفته شده شامل مقیاس سنجش اضطراب جدایی (نسخه والد و کودک) هان و همکاران (۲۰۰۳)(SAS) ، پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (۱۹۸۵) (NEO-FFI)و مقیاس روابط موضوعی بل (۱۹۹۵)) (BTRS) بودند. جهت تجزیه‌وتحلیل از رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. نتیجه حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که حدود ۱۳ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس های روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) پیش بینی می شود(P<۰/۰۵). نتایج نشان داد که برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن رابطه منفی و معناداری با اضطراب جدایی دارند. بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی دارند(P<۰/۰۵).. نتیجه حاصل از تحلیل واریانس نشان داد که بین اضطراب جدایی کودکان دبستانی با سن مادران رابطه معناداری وجود ندارد (P>۰/۰۵).. نتیجه‌گیری می‌شود اضطراب جدایی کودکان براساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادارن قابل پیش‌بینی است.

واژه‌های کلیدی: *اضطراب جدایی کودکان، ساختار شخصیت، روابط موضوعی مادران.*

Abstract

The purpose of this research was to predict the separation anxiety of primary school children based on the personality structure and thematic relationships of mothers. The descriptive research method was correlation type. The statistical population included all primary school children of schools in the 2nd district of Tehran in 2019, and 384 of them were selected using available sampling. The instruments used include the Separation Anxiety Scale (Parent and Child Version) by Han et al. (2003) (SAS, the NEO-FFI Five Factor Questionnaire (1985), and Bell's Thematic Relationship Scale (1995) (BTRS).) were used for simultaneous analysis and multiple regression analysis. The result of multiple regression analysis showed that about 13% of the variance of children's separation anxiety was accounted for by the variable factors of personality structure (extroversion, openness, agreeableness, and conscientiousness) and The subscales of subjective relationships (alienation, social inadequacy, and self-interview) are predicted (P<0.05). The results showed that extroversion, openness, agreeableness, and conscientiousness have a negative and significant relationship with separation anxiety. Alienation, social incompetence, and self-interference have a positive and significant relationship with separation anxiety (P<0.05). The result of the analysis of variance showed that there is no significant relationship between the separation anxiety of elementary school children and the age of mothers (0.05). <P). It is concluded that children's separation anxiety can be predicted based on the personality structure and thematic relationships of their mothers.

Keywords: *children's separation anxiety, personality structure, thematic relationships of mothers.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : آذر ۱۴۰۰** **پذیرش: شهریور ۱۴۰۱** **ویرایش نهایی: آبان ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]

مقدمه

اختلال اضطراب جدایی[1] یکی از رایج ترین اختلالات روانی در بین کودکان و نوجوانان است و علائم مکرر گزارش شده آن پریشانی مربوط به جدایی، اجتناب از تنها ماندن یا بدون بزرگسال بودن در هر مکانی و پریشانی هنگام خواب دور از مراقبان یا خانه است. این اختلال از ۸ سالگی آغاز می شود و ممکن است تا اواسط کودکی یا نوجوانی ادامه یابد و می تواند هم برای کودکان و هم برای مراقبان از جمله نگرانی بی دلیل، مشکلات خواب، استرس در محیط های اجتماعی و آموزشی و انواع علائم جسمی که کیفیت زندگی را پایین می‌آورد را به همراه داشته باشد (هو[2] و همکاران، ۲۰۲۰). در حالت ایده آل، اضطراب جدایی کودکان از دورانی که کودک نوپای است تا پیش دبستانی دوام می آورد (آدیلاح و سامانتری[3]، ۲۰۱۶). کودکانی که علائم اضطراب جدایی دارند، پرخاشگری یا عصبانیت نسبت به والدینشان یا هر شرایطی که باعث شود آنها از والدین خود جدا شوند نشان می‌دهند (آستوتی[4] و همکاران،۲۰۲۰). رابطه با مادر برای دستیابی به رشد روانشناختی ضروری است. به همین ترتیب، نوزادان در دنیا متولد می شوند و درحالی‌که با محیط روانی، عاطفی و اکولوژیکی والدین خود ارتباط برقرار می‌کنند، می‌خوابند و به تدریج به عنوان یک شخص رشد می‌کنند. اختلال اضطراب جدایی زمانی مطرح می شود که اضطرابی مفرط و نامتناسب با سطح تحول و هنگام جدایی از شخص مورد دلبستگی بروز پیدا کند (گرازانی[5] و همکاران، ۲۰۱۵).

در ارتباط با علل و عوامل اثرگذار بر اختلال اضطراب جدایی، برخی از صاحبنظران معتقد هستند که خانواده و به خصوص ویژگی‌های شخصیتی و روانی مادر یکی از عوامل مهمی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد (لیم و بون[6]، ۲۰۱۹). اضطراب کودک در رابطه با مادر متاثر از رفتار مادرانه، حساسیت و پاسخ دهی وی و شیوه ابراز هیجان های وی بویژه ویژگی شخصیتی می باشد(صفایی راد و همکاران، ۱۳۹۷). شخصیت یک سازه کلی است که از مجموعه ویژگی های فردی تشکیل می شود و به سه عامل تفکر، عواطف، و رفتارهای بیرونی قابل مشاهده اشاره دارد که در تعامل با عناصر محیط، ایفای نقش می کنند. مادران با ویژگی های شخصیتی خود، آفریننده موقعیت‌هایی هستند که رفتارهای خاص را در فرزندان برمی‌انگیزند و یا سرمشق‌هایی را برای الگوسازی در اختیار آنها قرار داده و یا به تشویق دسته ای خاص از رفتارها می پردازند (کاروالهو[7] و همکاران، ۲۰۲۰). والدین با ویژگی‌های شخصیتی خود، آفریننده موقعیت هایی هستند که رفتارهای خاص را در فرزندان برمی انگیزند و یا سرمشق هایی را برای الگوسازی در اختیار آنها قرار داده و یا به تشویق دسته ای خاص از رفتارها می پردازند و مطالعات نشان داده‌اند که صفات شخصیتی والدین تأثیر پایداری در سازش یافتگی و اختلالات رفتاری کودکان دارند (سانگ[8]و همکاران، ۲۰۱۵) تعداد زیادی از مطالعات نشان داده اند که صفات شخصیتی مادران تأثیر پایداری در سازش یافتگی و اختلالات رفتاری کودکان دارند (اورگیلز[9]و همکاران، ۲۰۱۸).

حساس بودن و پاسخ دهی در دسترس بودن مادر با فرآیند کیفیت روابط موضوعی فرزندان با دیگران در تعامل اند و ارتباط مثبت با یکدیگر داردبا کاهش نشانه های اضطرابی و در مقابل، تعارض و سردر گمی مادر در برابر کودک با نشانه های اضراب جدایی همراه است. (وایت و وین[10]، ۲۰۱۵). مادر مضطرب، مهار بیش از حد و طرد عاطفی کودک با افزایش نشانه های اضطرابی کودک همراه است(آلپرت[11]، ۲۰۱۴). از سویی دیگر پژوهش هایی که انجام شد نشان دادند که مراقبت مادرانه که در برگیرنده گرمی و روابط مثبت مادر- کودک است با کاهش مشکلات اضطرابی و فزون حمایت گری مادرانه که بیانگر حمایت، مداخله و مهار بیش از حد کودک است با افزایش مشکلات اضطرابی و شکایت جسمانی مشارکت دارد(ذرراتی و همکاران، ۱۳۹۹).. کودک از طریق تعامل با افراد حقیقی که در محیط اطرافش حضور دارند رشد می کند و از این رهگذر کیفیت روابط موضوعی و مجموعه ای از مکانیزم های دفاعی و توانمندی ها در کودک شکل می گیرد

1 . separation anxiety disorder (SAD)
2 . Hu
3 . A'diilah & Somantri
4 . Astuti
5 . Grazzani
6 . Lim & Boon
7 . Carvalho
8 . Song, Song & Lee
9 . Orgilés
10 . Wayt & Wein
11 . Alpert

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]

و برنحوه ی پیش بینی افراد بزرگسال از رویدادهای بین فردی محیط و برداشتی که آنها از این رویدادها دارند تاثیر می گذارد. ماهیت این روابط موضوعی و کیفیت تحولی مکانیزم های دفاعی در واقع ساختار شخصیتی و مدیریت سیستم روانی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد؛ بنابراین کودک بایستی برای تحمل اضطراب و مشکلات روزمره راه و روش هایی داشته باشد تا در کنار فشارهای روانی ارزشمند واقع شوند و بتوانند رویدادها را تحت کنترل خود درآورند (احمدی و همکاران ، ۱۳۹۹).

در مجموع با توجه به آنچه اشاره شد می توان گفت که برخی از ویژگی ها و حالات روانی والدین مانند ساختار شخصیتی و روابط موضوعی تأثیراتی بر اضطراب جدایی کودکان دبستانی دارند؛ اما در این میان کمتر مطالعه ای به بررسی رابطه این حالت های روانشناختی والدین بر سلامت روانی کودکان پرداخته است، بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده و این مسئله که لازم است به سلامت روانی- جسمانی این قشر بزرگ بیشتر توجه شود و گام‌های اساسی برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها و اختلالات روانی و رفتاری آنان برداشته شود، همچنین به دلیل خلاء پژوهشی موجود، پژوهش حاضر به پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران پرداخته و هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران بود.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف جزء تحقیقات بنیادی و از نظر روش جزء تحقیقات توصیفی-همبستگی محسوب می‌شود. جامعه پژوهش حاضر شامل تمامی کودکان دبستانی مدارس منطقه ۲ شهر تهران و مادران آنها در سال ۱۴۰۰ بود. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و جامعه آماری مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد (این روش با توجه به محدودیت تردد هنگام جدی شدن خطر کرونا در ایران انتخاب شد) و بر اساس جدول مورگان، برای جامعه بالای صد هزار نفر، ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. معیارهای ورود شرکت کنندگان شامل: داشتن انگیزه شرکت در پژوهش، زندگی با هر دو والد، نداشتن مشکل جسمانی و روانی حاد و داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن(برای مادران که در این پژوهش حداقل سطح تحصیلات سیکل در نظر گرفته شد) و معیارهای خروج شرکت کنندگان شامل: انصراف از شرکت در پژوهش ، عدم تکمیل مناسب پرسشنامه ها و تک سرپرست بودن بود. پرسشنامه‌ها در اختیار مادران کودکان قرار داده شد و توضیحات لازم در زمینه تکمیل پرسشنامه‌ها و اهمیت پژوهش حاضر به آنها داده شد و آزمودنی‌ها پس از جلب رضایت و همکاری در این پژوهش شرکت کردند و از آنها خواسته شد پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند و از آنجا که به دلیل شیوع ویروس کرونا و رعایت مسائل بهداشتی در شهر تهران مدارس تعطیل بود و کلاس ها به صورت آنلاین برگزار گردید لذا محقق از طریق در اختیار قرار دادن پرسشنامه ها به صورت آنلاین به آزمودنی ها، داده های مورد نیاز برای پژوهش را کسب نمود حصول اطمینان مسئولین و دستیاران پژوهش از محرمانه ماندن اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگان و توضیح کامل اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان در پژوهش داده شد. داده های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS نسخه ۲۶ و روش آماری تحلیل رگرسیون چند گانه به روش همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

مقیاس سنجش اضطراب جدایی[1](نسخه والد و کودک) (SAS): این مقیاس توسط هان[2] و همکاران در سال ۲۰۰۳ ساخته شد. این مقیاس دارای دو فرم والد و کودک است که هر کدام با ۳۴ ماده، ابعاد خاص اضطراب جدایی دوران کودکی را بر اساس ملاک های تشخیصی متن تجدیدنظر شده چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی اندازه گیری می کند. فرم والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی ابزاری ۳۴ مادّه ای است که توسط پدر یا مادر تکمیل می شود. محدویت زمانی برای پاسخ به مقیاس وجود ندارد. پاسخ دهندگان فراوانی نشانه های اضطراب جدایی در هر یک از مادّه های مقیاس را بر مبنای مقیاس ۴ درجه ای از ۱(هرگز) تا ۴ (همیشه) درجه بندی می کنند. چهار بعد اصلی این ابزار ترس از تنها ماندن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره حوادث خطرناک است. علاوه بر این، مقیاس سنجش اضطراب جدایی دو زیرمقیاس پژوهشی فراوانی حوادث خطرناک و فهرست نشانه های امنیت را نیز دربر می گیرد. داده های اولیه از اعتبار، روایی و کاربرد بالینی این مقیاس حمایت می کنند (هان و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از طلایی

1 . Separation Anxiety Scale
2 . Hahn

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]

نژاد، ۱۳۹۷). در ایران در پژوهش مفرد و همکاران (۱۳۹۰؛ به نقل از طلایی نژاد، ۱۳۹۷)، ضرایب آلفای کرونباخ نسخه کودک این ابزار برای نمره کل و زیرمقیاس های ترس از تنها بودن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره حوادث خطرناک به ترتیب برابر با ۰.۹۴، ۰.۹۳، ۰.۹۰، ۰.۸۲، ۰.۸۳ به دست آمد. ویژگی های روان سنجی فرم والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی علاوه بر بررسی در فرهنگ های دیگر در ایران نیز آزمون و تایید شد.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (NEO-FFI) : این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ و توسط مک کری تدوین شده است. این پرسشنامه حاوی ۵ حیطه و ۶۰ سوال است. این حیطه‌ها به ترتیب عبارتند از: روان رنجورخویی (N)، برون‌گرایی (E) ، تجربه‌پذیری (O)، توافق‌پذیری(A) و وجدان‌گرایی (C). هر یک از این پنج حیطه با ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود (کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۹). نمره‌گذاری این پرسشنامه بر روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از ۰ تا ۴) انجام می‌شود. کاستا و مک کرا (۱۹۹۲)، ضریب آلفای کرونباخ را بین ۶۸٪ (برای موافق بودن) تا ۸۶٪ (برای روان رنجوری) گزارش کرده‌اند. به منظور روایی همگرای این پرسشنامه جان و همکاران (۱۹۹۹) همزمان از گزارش دوستان، گزارش شخصی و برای بررسی روایی ملاک از مقیاس NEO-PI-R استفاده کردند که برای روان رنجوری ۰/۷۵، برای برون گرایی (۰/۸۰، تجربه گرایی (۰/۷۴)، توافق پذیری ۰/۷۱ و وجدان گرایی (۰/۷۷) گزارش شد (مک کرا و همکاران، ۲۰۰۴). پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نئو، در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به ترتیب برای عوامل روان رنجورخویی، برون گرایی، گشودگی، خوشایندی و وظیفه شناسی به دست آمد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۸)، ضرایب روایی گزارش شده در پژوهش گروسی و همکاران (۱۳۷۷) به ترتیب برای روان رنجوری ۰/۹۰، برون گرایی ۰/۸۳، تجربه گرایی (۰/۸۵)، توافق پذیری ۰/۹۷ و وجدان گرایی ۰/۹۶ گزارش شد. آلفای کرونباخ گزارش شده در پژوهش حاضر به ترتیب برای روان رنجورخویی (۰/۸۳)، برون گرایی (۰/۶۸)، گشودگی (۰/۷۵)، خوشایندی (۸۰) و وظیفه شناسی (۰/۷۱) گزارش شد.

مقیاس روابط موضوعی بل[1] (BTRS): این مقیاس توسط بل در سال ۱۹۸۶ ساخته شده است و دارای ۴۵ گویه با پاسخ‌دهی به صورت درست و نادرست است که روابط موضوعی را در قالب چهار عامل دلبستگی نایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خودمیان بینی می‌سنجد. بل (۱۹۹۵) ضرایب اعتبار بازآزمایی ۴ هفته‌ای خرده مقیاس‌های آن را ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همسانی درونی آن‌ها را ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. روایی این مقیاس نیز از طریق سنجش همبستگی آن با مقیاس‌های مختلف مانند مقیاس درجه‌بندی روان‌پزشکی مختصر، نشانگان مثبت و منفی، پرسشنامه چند محوری بالینی میلون، پرسشنامه چند وجهی شخصیت مینه سوتا- ۲ و فهرست تجدید نظر شده ۹۰ گویه‌ای نشانه‌های بیماری تایید شده است (۱۳). به‌عنوان نمونه، میزان همبستگی‌های معنادار مقیاس روابط موضوعی بل با مقیاس درجه‌بندی روانپزشکی مختصر بدین ترتیب گزارش شده است: بیگانگی با به‌هم ریختگی مفهومی و هیجان (۰/۳۰ و ۰/۲۶)، دلبستگی ناایمن با احساس گناه (۰/۲۸)، بی کفایتی اجتماعی با نگرانی جسمی، خصومت، بدگمانی، هیجان و عاطفه کنده شده (۰/۴۶، ۰/۴۳، ۰/۳۱، ۰/۳۰، ۰/۳۱)، همچنین همه چهار خرده مقیاس در مقیاس روابط موضوعی بل با خلق افسرده همبستگی معنادار داشتند (۰/۲۷- ۰/۳۷)؛ میزان همبستگی‌ها میان خرده مقیاس‌های آن با اغلب خرده مقیاس‌های فهرست تجدید نظر شده ۹۰ گویه ای نشانه‌های بیماری نیز معنادار (۰/۲۶- ۰/۵۸) بوده است (۱۳). در ایران در پژوهش مسگریان و همکاران (۱۳۹۶) اعتبار عوامل مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۷ – ۰/۶۶، ضریب اعتبار دو نیمه کردن ۰/۷۷- ۰/۶۰ و تتای ترتیبی کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد. روایی صوری و محتوایی، با استفاده از نظر کارشناسان و اساتید وروایی واگرا و همگرایان نیز با استفاده از آزمون تحلیل عاملی مورد سنجش و تأیید گرفت . برای محاسبه پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده گردید که پایایی آن در بعد دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خودمحوری به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۶، ۰/۷۴ و ۰/۷۷ گزارش شد.

یافته‌ها

۳۸۴ نفر از کودکان دبستانی مدارس منطقه ۲ شهر تهران در پژوهش حاضر شرکت کرده‌اند که ۱۹۷ نفر (۵۱/۳٪) از آن‌ها دختر و ۱۸۷ نفر (۴۸/۷٪) پسر بودند)؛ میانگین گزارش شده برای سن مادران ۳۵/۷ با انحراف معیار ۴/۳۲ بود؛ حداقل سن گزارش شده برای مادران شرکت کننده ۲۵ و حداکثر سن زارش شده ۴۰ سال بود. میزان تحصیلات ۷۰ نفر(۱۸/۲) از مادران زیر دیپلم، ۱۷۰ نفر (۴۴/۳٪)

1 . Bell Thematic Relations Scale

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]

دیپلم، ۳۲ نفر(۸/۳٪) کاردانی، ۸۱ نفر(۲۱/۱٪) کارشناسی و ۳۱ نفر (۸/۱٪) کارشناسی ارشد و بالاتر می باشد. ۱۱۷ نفر (۳۰/۵٪) از مادران شاغل و ۲۶۷ نفر(۶۹/۵٪) بیکار می باشند.

جدول (۱) یافته‌های توصیفی عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (روان رنجوری، برونگرایی، گشودگی ، موافق بودن و با وجدان بودن)، زیرمقیاس های روابط موضوعی (دلبستگی ناایمن، بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) و اضطراب جدایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۱									
۲	۰/۰۹	۱								
۳	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۱							
۴	۰/۰۶	۰/۰۵	-۰/۰۲۶	۱						
۵	۰/۰۰۶	۰/۰۲	۰/۰۶۴	۰/۰۰۳	۱					
۶	*۰/۱۰	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۸	۰/۰۵	-۰/۰۵	۱				
۷	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۲۰	۰/۰۵	-۰/۰۸	**۰/۳۹	۱			
۸	۰/۰۳	*۰/۱۱	۰/۰۲۴	۰/۰۲	-۰/۰۱	**۰/۱۳	۰/۰۳	۱		
۹	*۰/۱۰	-۰/۰۴	-۰/۰۵۳	-۰/۰۱	-۰/۰۴	**۰/۳۸	**۰/۲۱	۰/۰۳	۱	
۱۰	*۰/۱۱	*-۰/۱۱	**-۰/۱۴۳	**-۰/۱۳	**-۰/۲۰	۰/۰۵	**۰/۱۵	۰/۰۹	**۰/۱۴	۱
میانگین	۲۰/۶	۳۰/۷	۲۸/۰۴	۳۱/۵۲	۳۱/۴۴	۵/۶۶	۶/۰۸	۳/۲۲	۶/۰۱	۵۵/۳۵
انحراف استاندارد	۲/۴۰	۳/۷۸	۵/۴۰	۳/۶۶	۲/۸۸	۰/۶۴۷	۱/۷۵	۱/۸۸	۳/۶۱	۳/۴۸
کجی	۱/۳۵	-۰/۲۰۲	۰/۰۱۳	-۰/۱۱	۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۵۴	-۰/۸۸	۰/۶۱	۰/۲۵
کشیدگی	-۰/۸۳	۱/۳۹	-۰/۶۶	-۰/۴۷	-۰/۱۸	-۰/۲۴	-۰/۸۳	۰/۰۶	۰/۱۶	۰/۳۴

۱-روان رنجوری، ۲- برونگرایی، ۳- گشودگی، ۴- موافق بودن، ۵- باوجدان بودن، ۶- دلبستگی ناایمن، ۷- بیگانگی
۸- بی کفایتی اجتماعی، ۹- خود میان بینی، ۱۰- اضطراب جدایی.

در جدول (۱)، نشان داده شد بین برونگرایی، گشودگی ، موافق بودن، با وجدان بودن با اضطراب جدایی کودکان رابطه منفی و معناداری وجود دارد.؛ همچنین بین بیگانگی و خود میان بینی با اضطراب جدایی کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین دلبستگی ناایمن و بی کفایتی اجتماعی با اضطراب جدایی کودکان رابطه معناداری وجود ندارد (p>۰/۰۵).. برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کالموگراف استفاده شد. مقدار سطح معناداری متغیرهای پژوهش یعنی برونگرایی (F=۰/۲، p>۰/۰۵)، گشودگی (F=۰/۱۱، p>۰/۰۵)، موافق بودن (F=۰/۵۲، p>۰/۰۵)، با وجدان بودن (F=۱/۱، p>۰/۰۵)، بیگانگی (F=۱/۲، p>۰/۰۵)، بی کفایتی اجتماعی (F=۱/۳، p>۰/۰۵)، خود میان بینی (F=۰/۰۹، p>۰/۰۵) و اضطراب جدایی (F=۰/۰۶، p>۰/۰۵) روان رنجوری (F=۰/۱۳، p>۰/۰۵) و دلبستگی ناایمن (F =۰/۰۸، p>۰/۰۵) بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه عامل‌های متغیر پژوهش

شاخص‌های آماری متغیرهای وارد شده	R	R^2	Beta	DW
عامل‌های متغیر ساختار شخصیت زیرمقیاس‌های روابط موضوعی	۰/۳۶۰	۰/۱۳۰	۰/۱۱۳	۲/۲۶۴

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، آماره دوربین واتسون ۲/۲۶۴ بدست آمده است. چون مقدار آن به ۲ نزدیک می‌باشد، لذا مشکل خود همبستگی وجود ندارد. همچنین طبق جدول (۴-۱۳) مفروضه های هم خطی چندگانه از طریق آماره تلرانس و VIF (تورم

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]

واریانس) بررسی شد. نتایج نشان داد که هم خطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین وجود ندارد (اگر مقادیر تلرانس وVIF به عدد یک نزدیک باشد، نشان دهنده‌ی عدم وجود هم خطی می‌باشد). در تحلیل رگرسیون، عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی ، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس های روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) با اضطراب جدایی دارای همبستگی چندگانه می‌باشند که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۶۰ است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی (۰/۱۳۰) حدود ۱۳ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی ، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس های روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) پیش بینی می شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه عامل‌های متغیر ساختار شخصیت و زیر مقیاس‌های روابط موضوعی در پیش‌بینی اضطراب جدایی کودکان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	سطح معناداری
رگرسیون	۶۰۴/۱۷۰	۷	۸۶/۳۱۰	۷/۹۹۵	۰/۰۰۱
باقیمانده	۴۰۵۹/۰۷۰	۳۷۶	۱۰/۷۹۵	-	-
کل	۴۶۶۳/۲۴۰	۳۸۳	-	-	-

طبق جدول (۳)، تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون چندگانه را در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان (p<۰/۰۵ و F= ۷/۹۹۵) تأیید می‌کند و نشان می دهد متغیرهای پیش‌بین یعنی ساختار شخصیت و روابط موضوعی توان پیش بینی اضطراب جدایی در کودکان را دارد.

جدول۴. ضرایب‌رگرسیون عامل‌های متغیر پژوهش

شاخص‌های آماری	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد			مفروضه‌های هم خطی	
متغیر	ضریب رگرسیونی	خطای معیار	بتا	t	سطح معناداری	تولرانس	VIF
مقدار ثابت	۶۹/۲۷۲	۲/۸۷۸	-	۲۴/۰۶۹	۰/۰۰۰	-	-
برونگرایی	-۰/۱۰۱	۰/۰۴۵	-۰/۱۱۰	-۲/۲۵۸	۰/۰۲۵	۰/۹۷۹	۱/۰۲۱
گشودگی	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۱	-۰/۱۳۲	-۲/۷۳۱	۰/۰۰۷	۰/۹۹۱	۱/۰۰۹
موافق بودن	-۰/۱۳۴	۰/۰۴۶	-۰/۱۴۱	-۲/۹۲۰	۰/۰۰۴	۰/۹۹۲	۱/۰۰۸
با وجدان بودن	-۰/۲۱۴	۰/۰۵۹	-۰/۱۷۷	-۳/۶۵۸	۰/۰۰۱	۰/۹۸۷	۱/۰۱۴
بیگانگی	۰/۲۲۱	۰/۰۹۹	۰/۱۱۱	-۲/۲۴۶	۰/۰۲۵	۰/۹۴۳	۱/۰۶۱
بی کفایتی اجتماعی	۰/۱۹۵	۰/۰۹۰	۰/۱۰۵	۲/۱۶۴	۰/۰۳۱	۰/۹۸۳	۱/۰۱۷
خود میان بینی	۰/۰۹۴	۰/۰۴۸	۰/۰۹۸	۱/۹۷۶	۰/۰۴۹	۰/۹۴۸	۱/۰۵۵

طبق جدول (۵)، برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن با ضریب رگرسیونی به ترتیب برابر با (۰/۱۰۱- ، ۰/۰۸۵- ، ۰/۱۳۴- و ۰/۲۱۴-) رابطه منفی و معناداری با اضطراب جدایی دارند (p<۰/۰۵). بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی با ضریب رگرسیونی به ترتیب برابر با (۰/۲۲۱، ۰/۱۹۵ و ۰/۰۹۴) رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی دارند (p<۰/۰۵). طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که به برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن افزوده می شود؛ به ترتیب به میزان (۰/۱۰۱، ۰/۰۸۵، ۰/۱۳۴ و ۰/۲۱۴) اضطراب جدایی کاهش می یابد. به ازای هر واحد که به بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی افزوده می شود به ترتیب به میزان (۰/۲۲۱، ۰/۱۹۵ و ۰/۰۹۴) اضطراب جدایی افزایش می یابد. از بین متغیرهای پژوهش، با وجدان بودن (β=۰/۱۷۷) در پیش بینی اضطراب جدایی در رتبه اول، موافق بودن (β=۰/۱۴۱) در رتبه دوم و خود میان بینی (β=۰/۰۹۸) در رتبه آخر قرار دارد. بنابراین فرضیه فوق پذیرفته شده و نتیجه گرفته می‌شود که ساختار شخصیت(برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و روابط موضوعی (بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) مادران توان پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی را دارند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران بود. یافته پژوهش نشان داد که حدود ۱۳ درصد واریانس اضطراب جدایی کودکان توسط عامل‌های متغیر ساختار شخصیت (برونگرایی، گشودگی ، موافق بودن و با وجدان بودن) و زیرمقیاس های روابط موضوعی (بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) پیش بینی می شود. همچنین تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون چندگانه را در پیش بینی اضطراب جدایی کودکان تأیید کرد. نتایج نشان داد که برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن رابطه منفی و معناداری با اضطراب جدایی دارند. بیگانگی، بی کفایتی اجتماعی و خود میان بینی رابطه مثبت و معناداری با اضطراب جدایی دارند. از بین متغیرهای پژوهش، با وجدان بودن در پیش بینی اضطراب جدایی در رتبه اول، موافق بودن در رتبه دوم و خود میان بینی در رتبه آخر قرار دارد. بنابراین فرضیه فوق پذیرفته شده و نتیجه گرفته می‌شود که ساختار شخصیت(برونگرایی، گشودگی، موافق بودن و با وجدان بودن) و روابط موضوعی(بیگانگی، بی‌کفایتی اجتماعی و خود میان بینی) مادران توان پیش بینی اضطراب جدایی کودکان دبستانی را دارند. نتایج پژوهش با پژوهشگرانی همچون راشدی و همکاران (۱۳۹۹)، صمدی و همکاران(۱۳۹۶)، میر صادقی و همکاران(۱۳۹۷)، ابوالمعالی الحسینی و محمدی تبارکاسگری(۱۳۹۵)، عباسی و همکاران (۱۳۹۵)آستوتی و همکاران (۲۰۲۰) مابیلیا و همکاران (۲۰۱۹) هیرن و همکاران (۲۰۱۳) همسو می باشد.

در تبیین یافته فوق می توان گفت که ویژگی های شخصیتی مادر و اختلالات رفتاری و هیجانی کودکان یک رابطه دو سویه دارند، بدین صورت که ویژگی های شخصیتی مادر موجب بروز چرخه معیوب در روابط والد- کودک شده که خود را در قالب سبک های فرزندپروری نشان می دهد و از سوی دیگر رفتارهای فرزندان موجب می شود که مادر در راستای صفات شخصیتی خود واکنش نشان دهد و این چرخه مدام به واسطه رفتارهای مادر- کودک تکرار می شود همچنین در نظریه روابط موضوعی یا روابط ابژه، بر روابط کودک با دیگران متمرکز است و به این مسئله اشاره دارد که اگر کودک مراحل رشد خود را با موفقیت و بدون آسیب های روانشناختی پشت سر گذاشته باشد، می تواند با دیگر انسان ها ارتباط کامل بر قرار کند. بنابراین بر اساس این نظریه، مهارت های ارتباطی کودک به شدت در روابط اولیه او با والدین به خصوص مادر، ریشه دارد. بنابراین توانایی تشخیص این که موضوع(مادر) در اثر ندیدن آن تغییر نمی کند را ثبات موضوع می گویند و نوزادان ثبات موضوع را وقتی والدین برای مدت کوتاهی آنها را ترک می کنند و سپس باز می گردند، یاد می‌گیرند و دچار اضطراب جدائی نمی شوند و در کودکان دارای اضطراب جدائی، مسئله عدم اطمینان از ثبات موضوع است که منجر به اضطراب در کودک می گردد. پژوهش های راشدی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که بین ویژگی های شخصیتی مادر و عوامل تنش زای دوران بارداری با اختلال اضطرابی کودکان رابطه وجود دارد.

همچنبن می توان گفت که روابط موضوعی مادران برای برقراری روابط انسانی است که در سال‌های نخست زندگی شکل می گیرد. کیفیت روابط موضوعی میراثی است که فرد از خانواده خود به دست می آورد که این میراث سهم مهمی در توسعه ارتباطات اجتماعی فرد دارد. در تشریح روابط موضوعی باید گفت که به نظر می رسد رابطه‌ی فرد با اعضای خانواده از موضوعات اصلی زندگی، مهمترین روابط، پایاترین و تأثیرگذارترین روابط زندگی شخص است که روابط دیگر فرد متأثر از آن است. کیفیت سرمایه گذاری روانی بر موضوع های اولیه‌ی زندگی که در یک سطح تأمین کننده نیازهای کودک هستند و در سطحی دیگر، در قالب مادرگری فضایی را فراهم می‌آورند که دیگری و خود در روان کودک شکل گرفته، متمایز شده و مسیر تحول را در پیش می گیرند و سلامت روان فرد را در آینده رقم می زند، بنابراین اگر مادران در روابط اولیه خود با والدین مشکلاتی را نداشته و توانسته باشند ارتباطی بدون نقص را با موضوع (مادر خود) برقرار نمایند، لذا در برقراری ارتباط با کودک خویش نیز به طور اثربخش عمل نموده و کودک از ندیدن آنان در کنار خود احساس اضطراب و ترس را تجربه نمی نماید، زیرا از ثبات حضور مادر مطمئن است و حس اطمینان در وی شکل گرفته است و در کودکان دارای اختلال اضطراب جدائی این مسئله به صورت عدم اطمینان از بازگشت مادر وجود دارد. آستوتی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند که دلبستگی زیاد والدین باعث کاهش اضطراب جدایی کودکان می شود...

پژوهشی با توجه به امکانات و موقعیتی که در آن به اجرا درآمده است دارای محدودیت هایی است که تعمیم پذیری آن را به جامعه با مشکلاتی همراه می‌سازد. از جمله محدودیت‌های پژوهش نمونه‌گیری در دسترس و حجم پایین نمونه بود. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات بعدی، از نمونه گیری تصادفی و نمونه گیری با حجم بالا استفاده گردد. پژوهش حاضر نشان داد که اضطراب جدایی کودکان دبستانی بر اساس ساختار شخصیت و روابط موضوعی مادران پیش بینی می شود. بنابراین پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی کودکان

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]

در رده سنی بالاتر مورد سنجش قرار گیرند که توانایی پاسخ‌دهی به پرسشنامه ها را داشته باشند.. همچنین پیشنهاد می‌گردد در مهد کودک ها و مراکز بهداشت که محل حضور مادران و فرزندان آنهاست کلاس های آموزشی در مورد اهمیت نوع رابطه والدین کودک و ساختار شخصیت شان بر سلامت روانی فرزندان گذاشته شود تا والدین از اهمیت نحوه روابط خود با کودکان و ساختار شخصیت شان خود در آینده فرزندان شان آگاه شوند.

منابع

احمدی، ف؛ سرافراز، م.ر؛ کاظمی رضایی، ع. (۱۳۹۹). نقش تشخیصی روابط موضوعی و مکانیزم های دفاعی در افراد مبتلا به مصرف مواد افیون، مواد محرک و بهنجار. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*. ۱۴(۵۵): ۱۹۲-۱۶۹. URL: http://etiadpajohi.ir/article-1-2279-fa.html

ذرراتی، ا؛ برماس، ح؛ ثابت، م. (۱۳۹۹). همبستگی ترومای کودکی و ایده پردازی خودکشی با میانجیگری درد روانی و روابط موضوعی. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*. ۹(۳) :۴۸-۳۴. URL: http://jhpm.ir/article-1-1143-fa.html

شفیع زاده، ر. (۱۳۹۱). *رابطهٔ تاب‌آوری با پنج عامل بزرگ شخصیت*. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۳(۴۹): ص ۹۵-۱۰۲. https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=۱۷۵۹۸۸

صفایی راد، ا؛ غلامعلی لواسانی، م؛ افروز، غ.ع. (۱۳۹۷). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی مادران با سلامت روان و میزان خلاقیت فرزندان دختر. *پژوهشنامه زنان*،۹(۱): ص ۱۰۱-۱۲۲. http://ensani.ir/fa/article/ \

طلایی نژاد، ن. (۱۳۹۷). مقیاس سنجش اضطراب جدایی(فرم والدین): روش اجرا و نمره گذاری(نسخه فارسی). *روانشناسی تحولی(روانشناسان ایرانی)*، ۱۴(۵۵): ص ۳۴۳-۳۴۶. https://www.sid.ir/fa/journal

فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۹۸). *آزمون های روان شناختی- جلد اول: ارزشیابی شخصیت و سلامت روانی*. انتشارات: بعثت. https://www.adinehbook.com/gp/product/6005116274

میرصادقی، س؛ سهرابی، ف؛ اسکندری، ح؛ برجعلی، ا؛ فرخی، ن.ع. (۱۳۹۶). تدوین مدل ساختاری شیوه های فرزندپروری مادران بر اساس سبک های دلبستگی و کیفیت روابط موضوعی آنان در میان مادران با فرزندان عادی و مبتلابه اختلال های اضطراب جدایی و وسواس-اجبار. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی (فرهنگ مشاوره)*، ۸(۳۰): ص ۱۹۴-۱۳۱. nsani.ir/fa/article/

A'diilah, N. & Somantri, I. (2016). Efektifitas Terapi Mendongeng terhadap Kecemasan Anak Usia Toddler dan Prasekolah Saat Tindakan Keperawatan. *Journal Keperaatan Padjajaran*. *4* (3): 248-254. https://doi.org/10.24198/jkp.v4i3.287

Alpert J.(2014). Object Relations Theory. *Am J Psychiatry;147*(7):961--962. doi: 10.1176/ajp.146.12.1552.

Astuti, U., Hartono, H., & Sunawan, S. (2020). The Influence of Parental Attachment toward Early Childhood Children's Separation Anxiety. *Journal of Primary Education*, *9*(5), 501-510. DOI 10.15294/JPE.V9I5.43210

Carvalho, LdF. Pianowski, G & Gonçalves, AP(2020). Personality differences and COVID-19: are extroversion and conscientiousness personality traits associated with engagement with containment measures? *Trends Psychiatry Psychother ; 42(2)*: 179-184. doi: 10.1590/2237-6089-2020-0029.

Grazzani, I., Ornaghi, V., & Crugnola, C. R. (2015). Emotion comprehension and attachment: A conversational intervention with school-aged children. *European Review of Applied Psychology* *65*(6): pp 267–274. https://doi.org/10.1016/j.erap.2015.10.004

Hu, Y. Cai, Y. Tu, D. Guo, Y & Liu, S.(2020). Development of a Computerized Adaptive Test for Separation Anxiety Disorder Among Adolescents. *Frontiers In Psychology*, *11*, 1-11. doi: 10.3389/fpsyg.2020.01077

Lim, HJ & Boon, BH.(2019). A Study on the Experience of Changes through Participation in the Parent Education Program for the Mothers of Play Therapy Child Clients.: Focusing on Winnicott's Object Relation Theory. *Journal koaj ,25*(1), p 637-659. doi: 10.1016/j.pedn.2021.04.018

McCarthy,P & Taylor, K. (2015). Child- parent relationship therapy for adoptive families. *Family Journal, 20* (4):419-426. https://doi.org/10.1177/1066480712451242

Mund, M., Jeronimus, B. F., & Neyer, F. J. (2018). Personality and social relationships: As thick as thieves. In C. Johansen (Ed.), *Personality and disease*, 153–183. https://doi.org/10.1016/B978-0-12-805300-3.00009-8

Orgilés, P., M. Penosa, P., P. Morales, P., A. Fernández-Martínez, P., I & Espada, P., J. (2018). Maternal Anxiety and Separation Anxiety in Children Aged Between 3 and 6 Years: The Mediating Role of Parenting Style. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, *39*(8), pp.621-628. doi: 10.1097/DBP.0000000000000593

Song, AR. Song, SM & Lee, SR.(2015). The Effects of Infants` Temperament, Teachers` Sensitivity, and Mothers` Separation Anxiety on the Infants` Child Care Center Adjustment. *Journal koaj*, *5*(1), p.37. https://scholar.google.com/schola

Wayt, E.; Wein, J. A. (2015). *Socialization in the context of the family:Parent-child interaction.* In handbook of child psychology. Vol 4. Socialization, personality, and social development, Hetherington EM (ed). 1-110. DOI: 10.4236/oalib.1107596

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.10.1]